

# سفر اسکندر به شهر زنان

زهره نوروزی صحنه

## برداشتی از شاهنامه فردوسی

سوی چپ به کردار جوینده مرد  
که جوشن پیوشد به روز نبرد

اسکندر چون به نزدیک شهر زنان (هروم) می‌رسد، فیلسوفی خردمند را همراه نامه‌ای به عنوان «شاه ایران و روم» برای آنان می‌فرستد و خواهان باج و خراج می‌شود:

سر نامه از کردگار سپهر  
کزویست بخشایش و داد و مهر  
هر آنکس که دارد روانش خرد  
جهان را به عمری همی بسپرد  
شنید آنکه ما در جهان کرده‌ایم  
سر مهتری بر کجا برده‌ایم  
کسی کو ز فرمان ما سر بتافت  
نهالی به جز خاک تیره نیافت  
نخواهم که جایی بود در جهان  
که دیدار آن باشد از من نهان  
گر آیم مرا با شما نیست رزم  
به دل آشتی دارم و رای بزم  
اگر هیچ دارید داننده‌ای  
خردمند بیدار خواننده‌ای  
چو برخواند این نامه پندمند  
بر آنکس که هست از شما ارجمند  
بیندید پیش آمدن را میان  
کزین آمدن کس ندارد زیان

در مورد مقام پادشاهی و رزمها و پیروزیهایی که اشاره کرده بودی باید بگویم که اگر به شهر هروم لشکرکشی کنی از بسیاری سپاه و نعل و پی اسبان ما، زمین را نخواهی دید. در شهر ما هزاران کوی و برزن وجود دارد و در هر کوی و برزنی هزاران زن جنگجو آمادهٔ رزمند. ما در تمام طول شب، زره و خفتان در برداریم و آمادهٔ نبردیم. اگر زنی از ما در هنگام جنگ، پهلوان نام‌آوری را از اسب به زیر اندازد و او را مغلوب کند ما تاجی زرین بر سرش می‌نهیم و مقام و مرتبهٔ او را بالا می‌بریم و بدان که اکنون در میان ما سی هزار زن تاجور وجود دارد که در روز جنگ مردی از گردنکشان و نام‌آوران به دست او برخاک افتاده است. تو مردی بزرگ و نام‌آور هستی. مگذار که بدنام شوی و دربارهٔ تو بگویند که تو به جنگ با زنان پرداختی و هنگام نبرد از دست آنان گریختی. این ننگ را مخر. زیرا تا دنیا باقی است داستان زشت تو کهنه نخواهد شد.

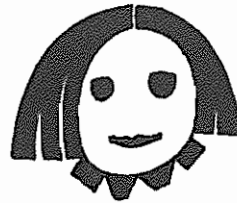
اگر می‌خواهی با سرداران روم به شهر هروم بیایی و آن را از نزدیک بینی باید با صداقت و راستی و مردم دوستی به اینجا قدم بگذاری، آنگاه ما با روی خوش مقدمت را گرامی خواهیم داشت و اگر به قصد دیگری بیایی آنقدر سپاه به جنگ تو می‌فرستیم که خورشید و ماه بر تو تیره گردد.

چو آن پاسخ نامه شد اسپری  
زنی بود گویا به پیغمبری  
اباتاج و با جامهٔ شاهوار  
همی رفت با خوب رخ ده سوار  
چو آمد خرامان به نزدیک شاه  
پذیره فرستاد چندی به راه  
زن نامبردار نامه بداد  
پیام دلیران همه کرد یاد  
سکندر چو آن پاسخ نامه دید  
خردمند و بینا دلی برگزید  
بدیشان پیامی فرستاد و گفت  
که با مغز مردم خرد باد جفت  
به گرد جهان شهریاری نماند  
همان بر زمین نامداری نماند  
که نه سر به سر پیش من که‌ترند  
وگر چه بلندند و نیک اخترند  
مرا گرد کافور و خاک سیاه  
همانست و هم بزم و هم رزمگاه

چون نامه به پایان رسید، دستور داد تا فیلسوف رومی آن را به شهر هروم ببرد و به او که مردی خردمند بود فرمان داد که برخوردی شایسته داشته باشد و سخنانی شیرین بر زبان آورد. وقتی قاصد اسکندر به نزدیک آن شهر می‌رسد، می‌بیند که ساکنانش همه زن هستند و در آنجا هیچ مردی نیست. پس از چندی لشگری از زنان به بیرون شهر می‌آیند و گرد آن مرد فیلسوف جمع می‌شوند. قاصد، نامهٔ اسکندر را برای آنان می‌خواند و آنها را از اندیشه و خواستهٔ اسکندر آگاه می‌کند. زنان دلیر آن شهر شورایی تشکیل می‌دهند و پاسخ نامهٔ اسکندر را چنین می‌نویسند که ای شهریار گردان فراز، زندگیست جاودان باشد. ما فرستادهٔ تو را پذیرفتیم و نامهٔ تو را خوب خواندیم.



آن گاه اسکندر می‌گوید که من با این لشکر مجهز برای جنگ و ستیز نیامده‌ام بلکه دوست ندارم که در جهان جایی باشد که من آن را نبینم. من اندیشه دیدار شهر شما را دارم و چون به خواسته‌ام دست یابم، اینجا چندان توقف نمی‌کنم و سپاهم را خواهم برد. فقط می‌خواهم زندگی و شکوه و بزرگی و شجاعت و سواری شما را ببینم و بدانم چگونه باردار می‌شوید و چه سان در این جهان بدون مرد زندگی می‌کنید و چون با مرگ تعدادتان کم می‌شود، چگونه زیاد می‌شوید:



بینم تا چیستان رای و فر  
سواری و زیبایی و پای و پر  
زکار زهستان بیرسم نهان  
که بی‌مرد زن چون بود در جهان  
اگر مرگ باشد فزونی زکیست؟  
بینم که فرجام این کار چیست؟

و در آن جایگاه مهمان می‌کند. چون آن شب سپری می‌شود فردا به بازدید و دیدار شهر هروم می‌پردازد و راز زندگی زنان را جویا می‌شود.

زنان می‌گویند: «ما همه دوشیزگانی هستیم که بدون همسر زندگی می‌کنیم. و گرداگرد سرزمین ما دریای ژرفی است که برای خارج شدن از این شهر جز آن راهی وجود ندارد. از بین ما هر کس که تمایل به ازدواج داشته باشد، به سرزمینهای دور می‌رود و باید از این دریای ژرف عبور کند. حال چه دریا خوش و آرام باشد و چه طوفانی و سرد. وقتی شوهر کرد و بچه‌دار شد اگر دختر به دنیا آورد و آن دختر خلق و خوی زنانه داشته باشد و دریند رنگ و روی شود همان‌جا، جایگاه ابدی او خواهد بود و او را به اینجا راه نمی‌دهیم ولی اگر مردوش و دلیر و شجاع باشد او را به سوی هروم می‌فرستند.

اگر فرزند پسر باشد؛ او هم باید همان‌جا بماند و جایی در میان ما ندارد.

زچندین یکی را نبودست شوی  
که دوشیزگانیم و پوشیده روی  
زهر سو که آبی برین بوم و بر  
به جز ژرف دریا نینی گذر  
زما هر زنی کو گراید به شوی  
از آن پس کس او را نینیم روی  
بباید گذشتن به دریای ژرف  
اگر خوش و گر نیز باریده برف  
اگر دختر آیدش چون کرد شوی  
زن آسا و جوینده رنگ و بوی  
هم آن خانه جاوید جای وی است  
بلند آسمانش هوای وی است  
و گرمسرد و ش باشد و سرفراز  
به سوی هرومش فرستند باز  
و گر زو پسر زاید آنجا که هست  
بباشد، نباشد بر ماش دست



فرستاده اسکندر این پیام را به زنان می‌رساند و آنها انجمنی می‌کنند و به او می‌گویند که برو و به اسکندر بگو که ما دوهزار زن را انتخاب کرده‌ایم که از هر صد نفر آنها ده نفر حامل تاجی از طلا هستند که بر آن گوهرهای فراوان کار گذاشته شده است و روی هم دویت تاج است که در خور و لایق شاه است. چون از دانایی و شکوه تو باخبر شده‌ایم، وقتی بیایی به استقبال می‌آییم و تاجهای مرصع را به تو پیشکش می‌کنیم. فرستاده باز می‌گردد و سخنهای خردمندانه زنان را به او می‌رساند. اسکندر در حالی که از کار زنان در شگفت مانده است، سپاه را حرکت می‌دهد اما دو منزل بیشتر جلو نمی‌رود که طوفان و بورانی شدید درمی‌گیرد و بسیاری از سرما و برف هلاک می‌شوند. پس از آن، ابر و دودی سیاه پدید می‌آید و آتشی برپا می‌شود که از گرمای آن، زره کتف سپاهیان را می‌سوزاند و از «نعل سواران» زمین شعله‌ور می‌شود.

بدین هم نشان تا به شهری رسید  
که مردم به سان شیه تیره دید  
فرو هشته لَفْج و برآورده کَفْج  
به کردار قیر و شبه کَفْج و لَفْج  
همه دیده‌هاشان به کردار خون  
همی از دهان آتش آمد برون  
بسی پیل بردند پیشش به راه  
همان هدیه مردمان سیاه  
بگفتند کین برف و باد دمان  
زما بود کاملد شما را زبان  
که هرگز بدین شهر نگذشت کس  
تو را و سپاه تو دیدیم و بس

اسکندر چون از اسرار زندگی زنان شهر هروم آگاه می‌شود از آن شهر می‌رود.



کم و بیش ایشان همی بازجست  
همی بود تا رازها شد درست  
ببرسید هر چیز و دریا بدید  
وزان روی لشکر به مغرب کشید

یادداشتها:



- ۱ - لفج: لب گنده و ستر
- ۲ - کَفْج: کف

شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، اداره انتشارات دانش، ۱۹۶۶، جلد هفتم. تصحیح متن به اهتمام (م. ن) عثمانوف

اسکندر یک ماه در آن شهر با آرامش می‌زید و از آنجا به طرف شهر زنان حرکت می‌کند و در یک بیشه خوش آب و هوا و زیبا و خرم متوقف می‌شود و بساط می‌گسترده. زنان وقتی آگاه می‌شوند که اسکندر به شهر هروم آمده آن تاجهای زر را با جامه‌ها و گوهرهای نایاب به او پیشکش می‌کنند و اسکندر با خوشحالی آنها پذیرا می‌شود



دومین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه با حضور ۱۱۵ شرکت ایرانی و خارجی تولیدکننده گل و لوازم باغبانی و کشاورزی در ۲۴ اردیبهشت ماه سال جاری به مدت یک هفته در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. ❀

در این نمایشگاه که به منظور بالا بردن سطح کمی و کیفی تولید گل و ارزیابی نحوه صادرات با وسعت ۱۰ هزار متر، در سه بخش گل و گیاه، عکاسی و نقاشی برگزار شده بود، حدود ۲۶ شرکت در بخش ادوات کشاورزی و باغبانی و ۸۹ شرکت در بخش گل و گیاه حضور داشتند. کشورهای هلند، سوئیس، فرانسه، ایتالیا، دانمارک، سوئد، انگلستان و آمریکا از کشورهای شرکت‌کننده در نمایشگاه بودند که جز هلند، دیگر کشورها با لوازم باغبانی و کشاورزی شرکت کرده بودند. در بخش عکاسی و نقاشی نیز حدود ۱۷۱ عکس و ۲۰۰ تابلو نقاشی از هنرمندان کشورمان با مضمونهای گل و طبیعت به نمایش گذاشته شده بود.

این نمایشگاه تا روز پایانی، حدود ۷۸۵ هزار نفر بازدیدکننده داشت که از این رقم حدود ۳۵۰ هزار نفر، بازدیدکنندگان بخش نقاشی نمایشگاه بودند. این بخش که تحت عنوان «گلستانه» در نظر گرفته شده بود و ۳۸ درصد آن را آثار زنان تشکیل داده بود از ویژگی خاصی نسبت به سال گذشته برخوردار بود. افزایش آثار ارائه شده و کیفیت بالای آثار نسبت به سال گذشته، نگاه تازه هنرمندان به گل و طبیعت، برپایی بخش ویژه آثار پیش‌کسوتان و استادان هنر نقاشی و بخش گل و مرغ (آثاری از مینیاتور)، از ویژگیهای عمده بخش نقاشی در دومین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه تهران محسوب می‌شد.

گیاه  
- لوح تقدیر به شرکت تعاونی زعفران‌کاران خراسان برای معرفی انواع زعفران  
- لوح تقدیر به مهندس قدرت‌الله بهرامی برای تزئین سفره عقد  
- لوح تقدیر به مؤسسه کشاورزی ابراهیمی برای پرورش کالادیوم

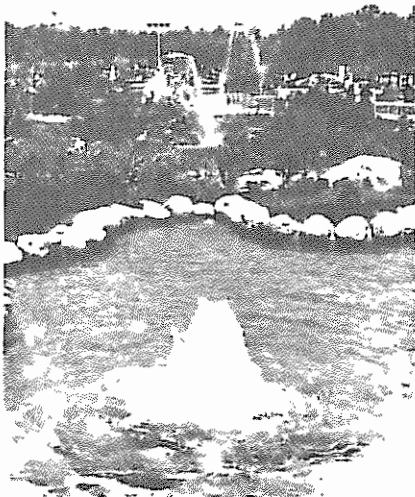


### نظر هیئت داوران بخش نوآوری:

- لوح تقدیر به مؤسسه خانه گل (آقای غضنفری) برای ارائه انواع جدید گل‌های تزئینی آپارتمانی  
- لوح تقدیر به مؤسسه گلشهر (فدک) برای استفاده از کامپیوتر در اطلاعات مربوط به

- لوح تقدیر به سازمان پارکها و فضای سبز اصفهان برای جمع‌آوری گیاهان وحشی جهت کاشت در فضای سبز  
- لوح تقدیر به مؤسسه صالحین (آقای رحمانی) برای تولید انواع بن‌سای  
- لوح تقدیر به مؤسسه گل‌فروشی خوشه (آقای نوری) برای تهیه دسته گل عروس





بخش دوم، عکاسی از گل و گیاه:  
- لوح تقدیر و جایزه مخصوص نمایشگاه به آقایان «امیر سالاری»، «ابراهیم صافی» و «مسعود امیرلوی» برای عکس گلها و صخره، عکس گلخانه و عکس کپورچال از عکس درختها اثر «آقای محمد غفوری» نیز تقدیر شد.

بخش سوم، گیاه، گل و درخت در فرهنگ و آداب و رسوم مردم:  
- لوح تقدیر و جایزه ویژه نمایشگاه به آقایان «جمشید بایرامی»، «رافی آوانسیان» و «آردوش مهدیخان عراقی» برای عکس بدون عنوان و عکس «در» از عکس نقش گل آقای «یدالله عبدی» نیز تقدیر شد.

### نظر هیئت داوران بخش نقاشی

هیئت داوران به منظور قدردانی از حضور نقاشانی که آثار شایان توجه با قابلیت‌های بالا به نمایشگاه ارائه کرده بودند ۱۰ دیپلم افتخار به نفرات زیر اعطا کرد:

### نظر هیئت داوران بخش عکاسی

هیئت داوران دوربین آثار ارائه شده، برنده مطلق اول، دوم و سوم را نتوانست انتخاب کند، به همین دلیل لوح تقدیر خود را به شکل گروهی، در سه بخش به برگزیدگان به شرح زیر اعطا کرد:

بخش اول، عکاسی از نخستین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه تهران:  
- لوح تقدیر به همراه یک ساک عکاسی و ۳۰ حلقه فیلم به «بابک کسمایی»

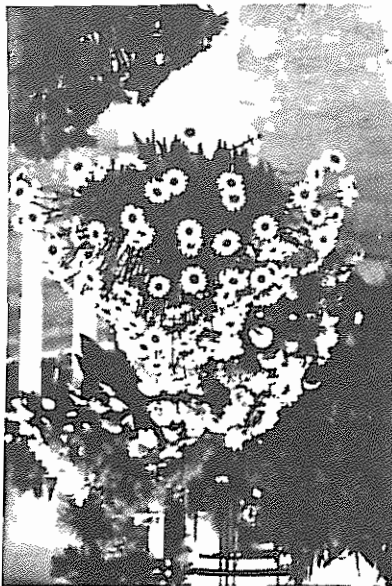
- لوح تقدیر به سازمان پارکها و فضای سبز مشهد برای ارائه گل‌های داوودی پیش‌رس  
- لوح تقدیر به مجتمع کشاورزی گلیران برای ارائه مجموعه سوزن برگان  
- لوح تقدیر به آقای اسدالله شریفی برای تکثیر آنتوریوم از طریق بذر (از دو ماهه تا هشت ماهه)

- لوح تقدیر به شرکت صحرا (آقای برخوردار) برای ارائه مجموعه شمعدانی‌های کم‌نظیر  
- لوح تقدیر به شهر جدید هشت گرد برای ارائه گل خارج از فصل (داوودی گلدانی)  
- لوح تقدیر به مؤسسه گلبار (آقای مخبری) برای انواع بنجامین جدید و بسته‌بندی گل صادراتی

- لوح تقدیر به خانم محبره - شهنواز و آقای دکتر نظام مافی برای ارائه بن‌سای و گل‌آرایی بسیار زیبا

هیئت داوران در بخش ارائه گلها و گیاهان زیبا به ۱۴ مؤسسه و در بخش لوازم باغبانی و کشاورزی به ۸ شرکت و سازمان لوح تقدیر اهدا کرد.





را به شش جایزه، به شرح زیر افزایش داد:  
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «محمود سمندریان»  
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «احمد و کیلی»  
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «محمدعلی بنی اسدی»  
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «ذبیح الله مختاری»  
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «محمدجواد نوبهار»  
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «مرتضی اسدی»

در خاتمه نمایشگاه، هیئت داوران برگزیده اول به معنای مطلق را نتوانست انتخاب کند به همین دلیل جوایز خود را به سه تن از نقاشان برگزیده، به شرح زیر اهدا کرد:

- دیپلم برگزیده اول و تندیس رویش گل و طبیعت در آثار آقایان نقاش «محمود معراجی»، «هادی جمالی» و «رضا لواسانی»

- دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «محمد نوید بازرگان»  
 - دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «هما غفارزاده»  
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «شراره مخلدود»  
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «یدالله درخشانی»  
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «شیدا مرجی»  
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «مریم خزاعی»  
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «مینو اسعدی»  
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «ولی الله شاکری»

هیئت داوران با عنایت به توانمندی برگزیدگان نفرات دوم، سه جایزه این بخش

۱ - مرتضی دره باغی  
 ۲ - رحیم مولانیان  
 ۳ - مهرداد علی صداقت  
 ۴ - حسن مشکین کام فرد  
 ۵ - هما خوش بین  
 ۶ - بهزاد سهرابی  
 ۷ - ژیلا کامیاب  
 ۸ - پروانه یموت مقدم  
 ۹ - مهدی محمدی  
 ۱۰ - کبری ابراهیمی

هیئت داوران به پنج نفر از شرکت کنندگان در بخش گل و مرغ (آثاری از مینیاتور)، تقدیرنامه ویژه خود را به نفرات زیر اعطا کرد:

۱ - عبدالله باقری  
 ۲ - ملیحه اکبری  
 ۳ - شهناز کافی مرادی  
 ۴ - سائیا حقیقی  
 ۵ - فرزانه صادقی

لوح تقدیر و دیپلم برگزیده نیز به نفرات زیر اعطا شد:

- لوح برگزیده و سکه بهار آزادی به «سارا ایروانی»  
 - دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «اکبر نیکان پور»  
 - دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «آرمه فیتی شهیدی»

\* مقاله حاضر متن سخنرانی خانم مهرانگیز کار است که در اولین سمینار مشارکت اجتماعی زنان ایراد شده است.

۵۹ زنان ایران که به خصوص در سالهای اخیر از همه سو مورد تکریم و تجلیل قرار گرفته‌اند و طبعاً حدود توقع و انتظارشان از آنچه بوده، فراتر رفته است؛ از اندیشمندان و سیاست‌گزاران انتظار دارند به هر شکل که ممکن و میسر است مواردی را که در قوانین کیفری نشان از نابرابری دارد مورد بازنگری قرار داده و تجدید نظر اساسی را تجویز کنند. به عبارت دیگر: «وقت اجتهاد است.»

آنچه در پی می‌آید پژوهشی بی‌طرفانه است که ضمن آن به جنبه‌های ارفاق‌آمیز قوانین نسبت به زنان بر حسب مورد اعتنا شده و به آن بها داده شده است. در این گفتار برای تشخیص دیدگاه قوانین کیفری ایران نسبت به زن، موقعیت او را در مواردی که مرتکب یکی از انواع جرایم می‌شود با موقعیت مردی که مرتکب همان جرم می‌شود، مورد مقایسه قرار می‌دهیم و در زمینه تحمل مجازات، برابریها و نابرابریهای مبتنی بر قانون را مشخص می‌سازیم. همچنین بنا به ضرورت امر، موقعیت زن را در مواردی که در جریان وقوع یکی از جرایم، متضرر می‌شود با موقعیت مردی که عیناً در شرایط همسان با او قرار می‌گیرد، مقایسه می‌کنیم و در زمینه «حقوق متضرر از

بعضی دیگری را رد می‌کنند و درست همین جاست که ما می‌توانیم به اجتهاد اعلم فقها امیدوار باشیم و برای یافتن آراء افضل به جستجو پردازیم.

۲ - قانونگذار که در این گفتار به کرات، مخاطب قرار می‌گیرد و نقطه نظرهایش مورد تحلیل یا انتقاد واقع می‌شود، مجامع و محافل قانونگذاری رسمی کشور است. پس از توضیح این دو نکته باید بگوییم که زن به لحاظ «زن بودن» نه تنها در ایران که در سراسر جهان همواره در جریان وقوع رفتارها و کردارها و گفتارهای مرتبط با «عفت عمومی»، بیش از مرد، زیر نگاه کنجکاو، سختگیر و خشن جامعه خود قرار دارد و در نتیجه اصل «برائت» در زندگی فردی و اجتماعی زن بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است. زیرا گاهی فقط بر پایه یک شایعه، چیزی از اتهام هم ضعیفتر، اصل برائت در مورد او شکسته و مخدوش می‌شود و در این موقعیت «محکمه خانوادگی» یا «محکمه شفلی» و «محلله‌ای» بدون توجه به همه اصول و موازن حقوقی، او را غیابی محاکمه کرده و مورد مجازات قرار می‌دهد. زیر تأثیر این نوع مجازاتهای عشیره‌ای و قبیله‌ای که بازمانده عصر جاهلیت است، زن گاهی آبرو می‌بازد؛ گاهی جان می‌بازد و در هر حال آنچه مستند این قبیل احکام بی‌رحمانه قرار می‌گیرد، سنتهای نیرومند قبیله‌ای است که هنوز فرهنگ درخشان مبتنی بر اصل برائت بر آن

«خون بس»ها و «خون فصل»ها قربانی می‌شوند، توجه نشان دهند. اینک، ابتدا مواد عمومی قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰ (موضوع کتاب اول این قانون)، که دربرگیرنده عموماً و مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی، چگونگی شکل‌گیری جرایم و حدود مسئولیت جزایی نیز هست از حیث برابریها و نابرابریها بررسی می‌شود و یک یک مواد قانونی از نظر می‌گذرد. ❏

برابری در عموماً  
کتاب اول / باب اول  
در مواد عمومی آمده است:

«هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.» (ماده ۲).

«قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد...» (ماده ۳).

قانونگذار در مواد یازده گانه این باب که عموماً است به دقت برابری زن و مرد را مراعات کرده است و همان‌گونه که مواد ۲ و ۳ روشنگر آن است، برای مجرم شناخته شدن، عامل «جنسیت» مطرح نیست. در این باب به طور کلی نابرابری مشاهده نمی‌شود.

برابری در مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

# جایگاه زن در قوانین کیفری ایران

کتاب اول / باب دوم  
مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۲ پنج قسم اعلام شده است:

- ۱ - حدود
- ۲ - قصاص
- ۳ - دیات
- ۴ - تعزیرات
- ۵ - مجازاتهای بازدارنده

راجع به نحوه نگرش قانون نسبت به زن در جریان وقوع جرایمی که مشمول مجازات حدود، قصاص، دیات، و تعزیرات می‌شود

چیره نشده و شاید در جهت این چیرگی، کوشش و تلاش هم نشده و نمی‌شود.

بگذریم که درد، بسیار عمیق و جانکاه است و اشارت دارد بر این ضرورت که چون اصل برائت در مورد زن تا بدین حد شکننده و آسیب‌پذیر است، جای آن دارد تا از طرفی دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن تلطیف و تعدیل شود و از طرف دیگر سیاست‌گزاران امور فرهنگی، راههایی برای مبارزه با محاکمات سستی و محلله‌ای و بومی پیدا کنند و به خصوص نسبت به وجه‌المصالحه قرار گرفتن دخترکانی که در

جرم» نیز برابریها و نابرابریها را گزارش می‌دهیم.

واضح است که از برابریها، به لحاظ آنکه دربرگیرنده آرمان شیفتگان آزادی و برابری است، تندو بی‌وقفه در می‌گذریم و فقط روی نابرابریها که بازنگری و سخت کاری می‌طلبد، مکث می‌کنیم. پیش از ورود به گفتار به توضیح دو نکته می‌پردازیم:

۱ - دین مبین اسلام مجموعه‌ای از آیات قرآنی و سنت و آرای فقها را شامل می‌شود و می‌دانیم که فقها در زمینه مسایل مختلف، دیدگاهها و نظرات گوناگونی دارند که



در جای خود سخن می‌گوییم. در اینجا فقط به اشاره این نکته اکتفا می‌کنیم که در مجازاتهای بازدارنده، قانونگذار نسبت به زن و مرد یکسان و برابر نگریده است.

برابری در مقررات ناظر بر جرایم کتاب اول / باب سوم

مقررات و احکام ناظر بر شروع به جرم، شرکا و معاونین جرم، تعدد جرم و تکرار جرم به زن و مرد مجرم یکسان می‌نگرد. بنابراین از ماده ۱ تا ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی اثری از نابرابری در حقوق یا مجازاتها دیده نمی‌شود.

ظهور نابرابری در حدود مسئولیت جزایی

کتاب اول / باب چهارم

قانون مجازات اسلامی در نخستین ماده قانونی از باب چهارم که حدود مسئولیت جزایی را مشخص می‌کند، بی‌آنکه صریحاً به عامل «جنسیت» پرداخته باشد، حدود مسئولیت جزایی زنان را بسیار وسیعتر از مردان تعیین کرده است و از این حیث، «ماده ۴۹» قانون مجازات اسلامی، مصوب مجلس شورای اسلامی، آغازگر نابرابریهای جنسیتی در قوانین کیفری جاری است:

«ماده ۴۹- اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء قانون اصلاح و تربیت اطفال

● مهرانگیز کار

می‌باشد.»

«تبصره ۱» از همین ماده قانونی اضافه می‌کند: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.»  
ظاهراً الفاظ ماده قانون مورد بحث و «تبصره ۱» آن به نابرابری اشارتی ندارد، اما حد بلوغ شرعی که آغازگر دوران مسئولیت جزایی است در دختران و پسران متفاوت است.

«تبصره ۱» از «ماده ۱۲۱۰» قانون مدنی: «سن بلوغ در پسر پانزده سال قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.»

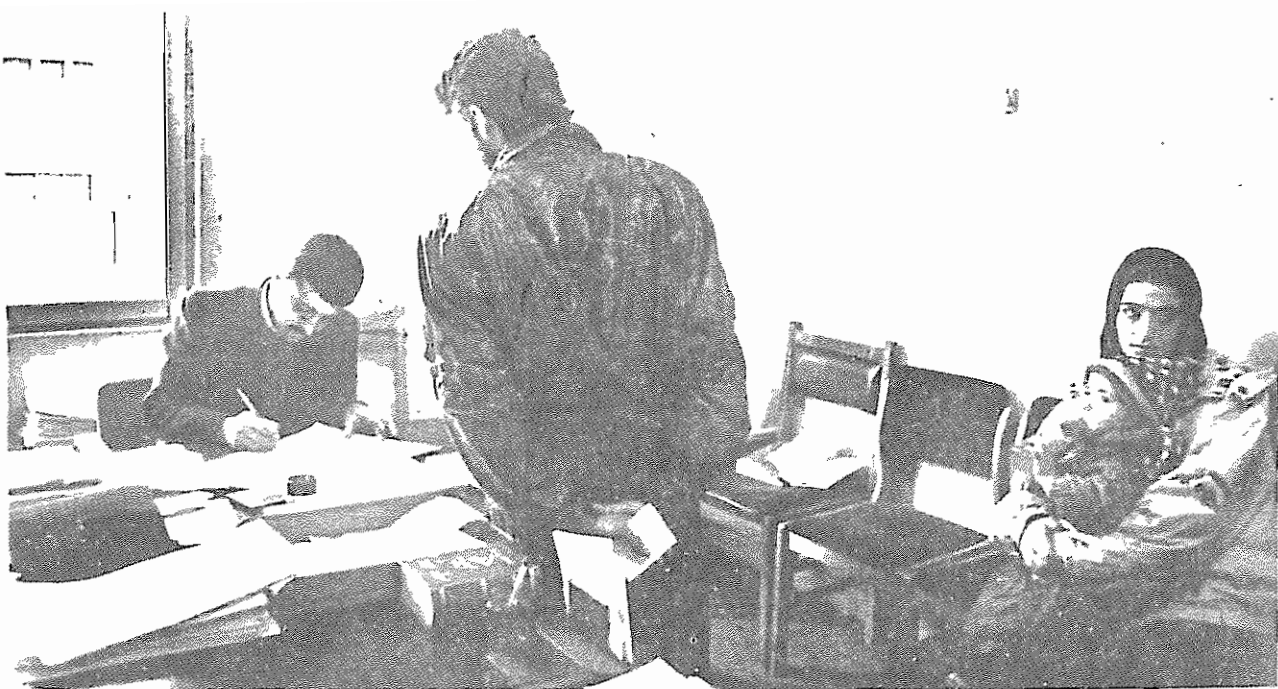
➤ چون اصل برائت در مورد زن بی‌نهایت شکننده است، جای آن دارد که دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن تلطیف و تعدیل شود و نیز راههایی برای مبارزه با محاکمات

سنتی، محله‌ای و بومی پدید آید به خصوص باید نسبت به و- المصالحه قرار گرفتن دخترکانی که در «خون بس»ها و «خون فصل»ها قربانی می‌شوند، توجه نشان دهیم.

➤ ماده ۲۶۲ می‌گوید: «زن حامله که

محکوم به قصاص است، نباید قبل از وضع حمل، قصاص شود و پس از وضع حمل، چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد، باید به تأخیر بیفتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.»





مجازات اسلامی تلقی کرده و حد قذف را که عبارت است از ۸۰ تازیانه نسبت به شهود که عموماً و یا سه نفر آنها زن هستند مقرر داشته است.

**نابرابری در مجازات به نفع زنان**  
 کتاب دوم / باب اول - اقسام حد زنا  
 «ماده ۸۲» قانون که اعلام می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر قتل است» بدون توجه به محصن یا غیر محصن بودن زنا، غالباً شخص زانی، یعنی مرد را، مشمول مجازات قتل قرار داده است. بدین نحو:

الف - زنا با محارم نسبی  
 ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است

ج - زنا غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است  
 د - زنا با زن عتق و اگره که موجب قتل زانی اگره کننده است

بنابراین بندهای «ب و ج و د» صراحتاً حد قتل را بر زانی، یعنی مرد، روا داشته بی‌آنکه زانیه را مشمول آن قرار دهد. این موقعیت نابرابر که مفید به حال زنان است در بند «ب» و «ج» جایز اهمیت است.

**برابری در مجازات رجم (سنگسار)**  
 کتاب دوم / باب اول - اقسام حد زنا  
 «ماده ۸۳» قانون مجازات، حد زنا را در مواردی رجم اعلام کرده است. این موارد نسبت به زن و مرد یکسان است و در «مواد ۸۳ تا ۹۰» نابرابری مشاهده نمی‌شود.

جهات ارفاقی نسبت به زن در مرحله اجرای حد زنا

### نابرابری در ارزش شهادت کتاب دوم / باب اول

راههای ثبوت زنا در دادگاه «اقرار» و «شهادت شهود» است. در زمینه «اقرار»، شرایط صحت و نحوه اقرار، نسبت به زن و مرد یکسان است. اما در مواردی که زنا در دادگاه با شهادت شهود ثابت می‌شود دیدگاه سببی بر نابرابری قانون آشکار می‌شود. زیرا برای اثبات زنا به شهادت زنان بسیار کم بها داده شده است که «مواد ۷۴ و ۷۵ و ۷۶» قانون بدان صراحت دارد.  
 «ماده ۷۴ - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم، با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود.»

«ماده ۷۵ - در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می‌شود.»

«ماده ۷۶ - شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل، زنا را ثابت نمی‌کند بلکه در مورد شهود مذکور، حد قذف طبق احکام قذف جاری می‌شود.»

در «ماده ۷۶» قانونگذار نه تنها شهادت زنان را به تنهایی مردود دانسته است، بلکه شهادت زنان را به انضمام شهادت یک مرد عادل مشمول مجازات حد قذف در مورد شهود (اعم از زن و مرد) تشخیص داده است. بنابراین زن شهادت‌دهنده نه تنها شهادتش فاقد ارزش و اعتبار است، بلکه طبق این ماده قانونی مجازات هم می‌شود. قانونگذار شهادت زن را تحت شرایط این ماده قانونی به مفهوم نسبت دادن زنا به شخص دیگری، مشمول «ماده ۱۳۹» قانون

بنابراین مسئولیت جزایی دختران، شش سال زودتر از پسران شروع می‌شود. این نابرابری فاحش باعث می‌شود تا چنانچه یک پسر ۱۴ ساله مرتکب جرم شود، به موجب «ماده ۴۹» قانون مجازات اسلامی، مبری از مسئولیت جزایی شناخته شود، ولی عمل مجرمانه یک دخترک نه ساله، او را هم‌پایه بزرگسالان، مشمول مقررات جزایی قرار می‌دهد و این طفل که طبق شرط مندرج در «تبصره ۱» از «ماده ۱۲۱» قانون مدنی بالغ است مانند بزرگسالان، محکوم به تحمل مجازات در حدود جرم ارتکابی است.

بررسی کتاب اول از قانون مجازات اسلامی را با این نتیجه‌گیری پایان می‌بریم که حدود مسئولیت جزایی در قوانین کیفری «مبنای جنسیتی» دارد و نسبت به زنان از دیدگاه نابرابری نگریسته است.

### کتاب دوم / حدود

«حدود» یکی از اقسام پنجگانه مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی است که تعریف قانونی آن چنین است: «حد، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.» (ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی)

### برابری در مجازات

کتاب دوم / باب اول - حد زنا  
 مواد ۶۳ تا ۶۷ که به تعریف و موجبات حد زنا و میزان حد زنا می‌پردازد، زن و مرد را در موقعیت یکسان قرار می‌دهد و برابری حاکم است.



طبق ماده ۲۰۹، هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد.

کتاب دوم / باب اول - اقسام حد زنا در مرحله اجرای حد، شرایط جسمانی زن و همبستگی حیات او با حیات فرزندی که در شکم دارد یا فرزند شیرخوار در نظر گرفته شده است. به طوری که «ماده ۹۱» دستور می‌دهد:

«ماده ۹۱ - در ایام بارداری و نفاس زن، حد قتل یا رجم بر او جاری نمی‌شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد، کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود، حد جاری نمی‌شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود، حد جاری می‌گردد.»

و در تکمیل آن، «ماده ۹۲ و ۹۳» این‌گونه مقرر می‌دارد:

«ماده ۹۲ - هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده، احتمال بیم ضرر برای حمل و یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می‌افتد.»

«ماده ۹۳ - هرگاه مریض یا زن مستحاضه، محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاری می‌شود ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می‌افتد. تبصره - حیض مانع اجرای حد نیست.»

نابرابری در کیفیت اجرای حد زنا کتاب دوم / باب اول

در کیفیت اجرای حد، برابری حاکم است و حد در مورد زن و مرد محکوم با شرایط یکسان جاری می‌شود مگر در مفاد «مواد ۱۰۰ و ۱۰۲»، که قانون بدین شرح است:

«ماده ۱۰۰ - حد جلد مرد زانی، باید ایستاده و در حالی اجرا گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد. تازیانه به شدت به تمام بدن وی، غیر از سر و صورت و عورت، زده شود. تازیانه را به زن زانی در حالی می‌زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد.»

«ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند.»  
بدان گونه که گذشت، به نظر می‌رسد که نابرابری در کیفیت اجرای حد زنا نسبت به

زن و مرد در «مواد ۱۰۰ و ۱۰۲» قانون، قید پوشش زنان ارتباط دارد. ولی در هر حال این دو ماده به وجود نابرابری در کیفیت اجرای حد گواهی می‌دهد.

نابرابری در ارزش شهادت کتاب دوم / باب دوم - حد لواط

در این باب به زن در جای مفعول توجه نشده است و لواط وطی انسان مذکر است که «حد» بر فاعل و مفعول، هر دو جاری می‌شود. نظر به اینکه این جرم و مجازات مرتب بر آن شامل حال زنان نیست موضوع را فقط از جهت نابرابری زن و مرد در نقشی که برای اثبات لواط دارند مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

«مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹»، بی‌اعتباری ارزش شهادت زنان را در ثبوت لواط بدین نحو پذیرفته است:

«ماده ۱۱۷ - حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می‌شود.»

«ماده ۱۱۸ - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل، لواط ثابت نمی‌شود و شهود به حد قذف محکوم می‌شوند.»

«ماده ۱۱۹ - شهادت زنان به تنهایی یا ضمیمه مرد، لواط را ثابت نمی‌کند.»

نابرابری در شناخت عمل مجرمانه کتاب دوم / باب سوم - مساحقه

«مساحقه» همجنس‌بازی زنان است با اندام تناسلی. (ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی)

در موضوع «مساحقه» که جرم به فعل دو زن بستگی دارد و در جریان تحقق جرم، اساساً جنس مذکر غایب است، موضوع فقط در یک ماده قانونی حامل نابرابری است. زیرا آنچه در «ماده ۱۳۴» قانون مجازات، جرم شناخته شده؛ در مورد مشابه نسبت به مردانی که مرتکب نوع مشابه آن می‌شوند جرم نیست.

«ماده ۱۳۴ - هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند، بدون ضرورت، برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در

مرتبه سوم، به هر یک صد تازیانه زده می‌شود.»

چنانچه رفتاری مشابه این نوع رفتار توسط مردان واقع گردد، عمل مجرمانه محسوب نمی‌شود.

نابرابری در مجازات به نفع زنان کتاب دوم / باب چهارم - قوادی

«قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط.» (ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی).

«ماده ۱۳۸ - حد قوادی برای مرد ۷۵ تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یکسال است و برای زن فقط ۷۵ تازیانه است.»

بدین ترتیب در جرم مشابه، برای مرد مجرم مجازات سنگینتری تعیین شده است.

نابرابری در ارزش شهادت برای ثبوت جرم قوادی

«ماده ۱۳۷ - قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.»

بنابراین قانونگذار، اساساً شهادت زن را فاقد ارزش و اعتبار اعلام کرده است.

برابری در مجازات کتاب دوم / باب پنجم - قذف

«قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری.» (ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی)

حد قذف برای مرد و زن یکسان است و «مواد ۱۳۹ تا ۱۴۹» ناظر بر آن، موردی از نابرابری را گزارش نمی‌دهد.

نابرابری در شناخت عمل مجرمانه در قذف به نفع زنان

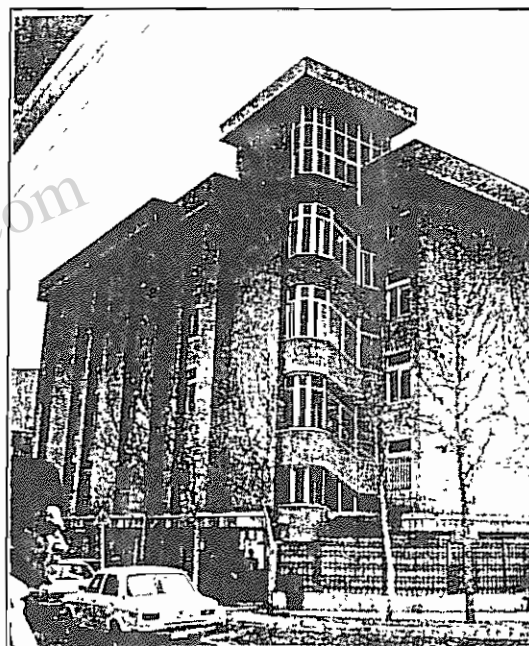
«ماده ۱۵۰» مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی، همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد، حد ثابت نمی‌شود. اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می‌شود.»

بنابراین قانونگذار تحت شرایطی اجرای حد قذف را منحصرأ در حق مردی که همسر متوفی خود را قذف کند به منظور حفظ

حرمت زن متوفی اجازه داده است و به بخشی از ورثه او حق مطالبه حد می‌دهد. این مراعات در موارد مشابه شامل حال شوهر متوفی و ورثه او در شرایطی که زن، سرهر متوفی را قذف کرده باشد، نمی‌شود. وجود «ماده ۱۵۰» نشانه‌ای است از دیدگاه نابرابر قانونگذار به نفع زنان که قذف را فقط نسبت به زن متوفی عمل مجرمانه اعلام کرده است.

**نابرابری در سقوط حد قذف**  
«ماده ۱۶۱ - حد قذف در موارد زیر ساقط می‌شود:

- ۱ - ...
- ۲ - ...
- ۳ - ...



۲ - هرگاه مردی زنش را پس از قذف، عیاد شد.»

این نابرابری خاص، درخور توجه است. زیرا مورد خاصی در مورد سقوط حد نسبت به زنی که شوهرش را قذف کرده باشد و به نحوی حد از او ساقط گردد نمی‌شناسیم، جز در عموماًت قضیه.

**نابرابری در مجازات حد قذف**

«ماده ۱۴۹ - هرگاه خوشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می‌شوند. تبصوه: اگر پدر یا جد پدری، فرزندش را قذف کند تعزیر می‌شود.»

این تخفیف در مجازات فقط برای پدر و جد پدری شناخته شده و شامل حال مادری که فرزند خود را قذف کند نگردیده است.

**نابرابری در ارزش شهادت در اثبات قذف**

طبق مفاد «ماده ۱۵۳ - قذف با دو بار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می‌شود.»  
بنابراین شهادت زن در اثبات قذف، فاقد اعتبار است.

**برابری در مجازات**

کتاب دوم / باب ششم - حد مسکر  
زن و مرد چنانچه محکوم به حد مسکر شوند میزان حد نسبت به هر دو یکسان است و شرایط اثبات جرم نیز نسبت به هر دو یکی است.

«خوردن مسکر موجب حد است...»  
«ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی»

**نابرابری در ارزش شهادت اثبات حد مسکر**

«ماده ۱۷۰ - در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.»  
بنابراین شهادت زن در اثبات جرم شرب خمر نیز بی‌اعتبار است.

**نابرابری در کیفیت اجرای حد مسکر**

«ماده ۱۷۶ - مرد را در حالی که ایستاده باشد و برشاکمی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالی که نشسته و لباسهایش را به بدن او بسته باشند، تازیانه می‌زنند.»  
به نظر می‌رسد که این نابرابری نیز ناشی از قید پوشش برای زنان است.

**برابری در میزان مجازات محاربه و افساد فی الارض**

کتاب دوم / باب هفتم  
«هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می‌باشد.»  
«ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی»

«مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶» این باب عموماً از حیث تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض، از حیث راههای ثبوت جرم و مجازات مترتب بر آن از دیدگاه برابر به زن و مرد مجرم نگاه می‌کند.

**نابرابری در ارزش شهادت**

ثبوت جرم محاربه و افساد فی الارض شهادت زنان در اثبات جرم محاربه و افساد فی الارض بی‌اعتبار است زیرا در «ماده ۱۸۹» یکی از راههای ثبوت جرم، شهادت فقط دو مرد عادل اعلام شده است.

**برابری در میزان مجازات**

کتاب دوم / باب هشتم - حد سرقت  
«مواد ۱۹۷ تا ۲۰۳» این باب عموماً از حیث تعریف جرم و مجرم، میزان حد، راههای ثبوت جرم و شرایط اجرای حد نسبت به زن و مرد برابری را مراعات کرده است.

«سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی.» (ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی)

**نابرابری در ارزش شهادت**

**در ثبوت سرقت**

در خصوص یکی از راههای ثبوت سرقت «بند ۱ / ماده ۱۹۹»، شهادت دو مرد عادل را کافی دانسته است. بنابراین در مرحله ثبوت سرقت نیز شهادت زنان بی‌اعتبار است.

بررسی کتاب دوم از قانون مجازات اسلامی را با این نتیجه‌گیری پایان می‌دهیم

که: قانونگذار در میزان مجازاتها و حدود در غالب موارد زن و مرد را از دیدگاه برابر مورد توجه قرار داده و در کیفیت اجرای حد گاهی به لحاظ وضعیت جسمانی زن در شرایط بارداری و شیردهی، تسهیلات قائل شده و گاهی نحوه اجرای حد را برای زن و مرد دوگونه تعیین نموده است که احتمالاً ناشی از قد پوشاک برای زنان است.

در تمام مباحث کتاب دوم، شهادت زنان برای ثبوت جرم در بیشتر موارد فاقد اعتبار است. در مواردی هم که به آن بها داده می‌شود، دو زن شاهد در جای یک مرد قرار می‌گیرند، آن هم به شرط وجود مردان شاهد دیگری که به موضوع شهادت دهند!

**کتاب سوم - قصاص**

«قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد.» (ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی)

**نابرابری در حقوق مدعی و مجازات**

باب اول - قصاص نفس  
«مواد ۲۰۹ و ۲۱۰» از قانون مجازات

اسلامی که راجع به مجازات قتل عمد است گزارشگر نابرابری است.

«ماده ۲۰۹» مقرر می‌دارد: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد.»

«ماده ۲۱۰» مقرر می‌دارد: «هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگری را بکشد، قصاص می‌شود و اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول، زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.»

این دو ماده ظاهراً حاکی از آن است که ولی یا اولیای دم زن مقتول حق دارند مانند اولیای دم مرد مقتول، قصاص قاتل را مطالبه کنند. اما عمل قصاص مشروط بر آن است که یک دوم دیه مرد مقدماً به قاتل پرداخت شود تا قصاص واقع گردد. بنابراین با آنکه ظاهراً قانونگذار در مورد قتل عمد از دیدگاه برابر، مجازات قاتل را مشخص کرده است و قاتل را اعم از آنکه خون مردی را ریخته باشد یا جان زنی را گرفته باشد، محکوم به قصاص نموده است. اما شرطی که قصاص مستلزم انجام آن شده است می‌تواند در عمل مانع قصاص گردد زیرا عملاً در بیشتر موارد قصاص مرد جانی که زنی را کشته به تعویق می‌افتد و خاک سرد زمان، اولیای دم را از اصرار بر قصاص که با پرداخت پول قابل توجهی ملازمه دارد، باز می‌دارد.

بدین سان می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار از یک سو قیمت جان زن را نصف جان مرد قرار داده است که به تنهایی نابرابری در حقوق اولیای دم یعنی زیان دیدگان از وقوع جرم را در بردارد و از دیگر سو، قصاص را موکول به پرداخت یک دوم دیه مرد به جانی نموده است که این شرط هم به طور غیرمستقیم از شدت و قوت مجازات قصاص می‌کاهد و عملاً نابرابری در تحمل مجازات را نسبت به مردی که به عمد زنی را کشته است، روا می‌دارد. زیرا چنانچه مرد مسلمانی به عمد مرد مسلمان دیگری را بکشد، وقفه در مجازات محکوم به قتل عمد ایجاد نمی‌شود و در صورت اصرار اولیای دم، اجرای حکم قصاص موکول به پرداخت دیناری به قاتل نیست.

برابری در شناخت جرم و طرح شکایت  
قصاص نفس  
سایر مواد قصاص نفس مبتنی بر برابری

است و قانونگذار نسبت به زن و مرد در مقام ولی دم و مجرم، نابرابری روا نداشته است شرایط قتل عمد، وصف اکراه در قتل عمد، شرکت در قتل عمد، شرایط قصاص، شرایط دعوی قتل و راههای ثبوت قتل نسبت به زن و مرد یکسان است.

نابرابری در ارزش شهادت  
قصاص نفس

در قتل عمد نیز شهادت یکی از راههای ثبوت جرم است.  
طبق «ماده ۲۲۷»:

«الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.

ب - قتل شبه عمد یا خطا، با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود.»

بنابراین شهادت زن در ثبوت قتل نیز یا به کلی فاقد اعتبار است یا به شدت ضعیف و بی‌ارزش است.

نابرابری در ارزش سوگند  
قصاص نفس

علاوه بر آن در مبحث «قسامه» که یکی دیگر از راههای ثبوت قتل شناخته شده است، چنین آمده است:

«ماده ۲۴۳ - مدعی ممکن است مرد یا زن باشد و در هر حال باید از وراثت فعلی مقتول محسوب شود.»

«ماده ۲۴۸ - در موارد لوث، قتل عمد با پنجاه قسم ثابت می‌شود و قسم خورندگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعی باشند و در مورد آنها رجولیت شرط است.»  
قانونگذار سپس در «تبصره ۲» همین ماده قانونی تأکید می‌کند:

«تبصره ۲ - چنانچه تعداد قسم خورندگان کمتر از پنجاه نفر باشند، هر یک از قسم خورندگان مرد می‌تواند بیش از یک قسم بخورد بنحوی که پنجاه قسم کامل شود.»

قانونگذار سرانجام و هنگامی که از حضور قسم خورندگان مذکور به کلی ناامید می‌شود، در «تبصره ۳» اجازه می‌دهد: «چنانچه هیچ مردی از خویشان و بستگان نسبی مدعی برای قسامه وجود نداشته باشد، مدعی می‌تواند پنجاه قسم بخورد هرچند که زن باشد.»

در واقع قانونگذار که احتمال لوث خون مقتول را نزدیک می‌بیند، قسم مدعی زن را

در قسامه می‌پذیرد که این نوع برخورد هرچند نسبت به دو تبصره قبلی تعدیل شده است، اما نمی‌تواند از مصادیق برابری در دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن مدعی (زیان دیده از جرم و جنایت) محسوب شود.

نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم / باب اول - کیفیت استیفای  
قصاص

در «ماده ۲۵۸» قانون مجازات اسلامی نابرابری در حقوق مدعی (ولی دم) به گونه دیگری تکرار شده است:

«هرگاه مردی، زنی را به قتل رساند؛ ولی دم، حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه، یا کمتر یا بیشتر از آن،

گاهی فقط بر پایه یک شایعه، چیزی از اتهام هم ضعیفتر،

اصل برائت در مورد زن شکسته

و مخدوش می‌شود و

در این موقعیت «محکمه خانوادگی»

یا «محکمه شغلی» و «محلله‌ای»

بدون توجه به همه اصول

و موازین حقوقی او را محاکمه

کرده و مورد مجازات قرار می‌دهند.

شهادت زنان در اثبات جرم

محرابه و افساد فی الارض بی‌اعتبار

است زیرا در ماده ۱۸۹ یکی

از راههای ثبوت جرم، شهادت فقط

دو مرد عادل اعلام شده است.

مصالحه نماید.»

در این ماده قانونی به نابرابری در حقوق مدعی (ولی دم) چنان تأکید شده است که صاحب خون زن مقتول، گاهی مجبور می‌شود رضایت قاتل را به مقدار دیه جلب کند!

شرایط ارفاقی در کیفیت استیفای  
قصاص

قانون مجازات اسلامی در کیفیت استیفای قصاص برای زن حامله، قایل به جهات ارفاقی شده است.

«ماده ۲۶۲ - زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل، قصاص شود و پس از وضع حمل، چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تأخیر بیفتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.»

### نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم/باب دوم - قصاص عضو  
«قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجننی علیه می‌تواند با اذن ولی امر، جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید...» (ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی)

قانونگذار در «ماده ۲۷۳» در قصاص عضو، زن و مرد را برابر اعلام می‌کند. این ماده قانونی در عمل مفهومی درست نقطه مقابل الفاظ ارائه می‌دهد. این چنین:

«ماده ۲۷۳ - در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می‌شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده، ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.»

در این ماده قانونی، برابری فقط در حد الفاظ است و مدعی، یعنی زنی که از جنایت جانی زیان دیده است چنانچه دیه عضوی از او که ناقص شده، یک سوم یا زاید بر یک سوم دیه کامل، یعنی دیه یک مرد باشد، قصاص موقوف به پرداخت یک دوم دیه آن عضو به مرد جانی است.

به بحث پیرامون کتاب سوم از قانون مجازات اسلامی که با مصادیق برجسته‌ای از نابرابریها درآمیخته است، پایان می‌دهیم با این نتیجه‌گیری کلی که زن در مقام مدعی و صاحب خون و همچنین در مقام شاهد و قسم‌خورنده، در موقعیت بسیار متزلزل و ناپایداری قرار دارد که متأسفانه نسبت به جان او به نوعی قیمت‌گذاری شده است که این نوع قیمت‌گذاری نهایتاً به تأخیر یا توقف در اجرای حکم قصاص و نابرابری در مجازات جانی می‌انجامد.

### کتاب چهارم - دیات

«دیه، مالی است که از طرف متاراع برای جنایت تعیین شده است.» (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی)

«دیه، مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای ذم او داده می‌شود.» (ماده ۲۹۴ همان قانون)

### نابرابری در حقوق مدعی

#### کتاب چهارم / دیات

«مواد ۲۹۷ و ۳۰۰ و ۳۰۱» قانون تأکیدی است بر نابرابری زن و مرد در مقام مدعی و زیان‌دیده از جرم و جنایت. زیرا «ماده ۲۹۷» دیه قتل مرد مسلمان را یکی از امور ششگانه ذیل همان ماده تعیین کرده است و «ماده ۳۰۰» دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی و خواه غیرعمدی، را نصف دیه مرد مسلمان اعلام داشته و «ماده ۳۰۱» تصریح کرده که دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد، در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.

در مبحث دیات، به طور کلی مواد قانونی در شکل ظاهری، اصل را برابری زیان‌دیده از جرم و جنایت (مدعی یا مجنی علیه) اعلام می‌کنند، اما در واقع چون مبنای محاسبه یعنی «دیه» همان ضابطه‌ای است که قانونگذار در مبحث قتل نفس مقرر داشته، لذا در تمام موارد «دیات» که با موضوع دیه کامل مرد یا دیه کامل زن، که یک دوم دیه کامل مرد است برخورد می‌کند، نابرابری مشهود است. به مواد قانونی از مبحث دیات که حاوی این نابرابری است توجه نمایید:

«ماده ۳۶۸ - هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید، عهده‌دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده‌دار خواهد بود.»

«ماده ۳۶۹ - هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید، ضامن دیه کامل زن می‌باشد و اگر دوباره بروید عهده‌دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست.»

توجه می‌دهد که دیه کامل زن، یک دوم دیه کامل مرد است.

«ماده ۴۳۵ - قطع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث دیه و بیضه راست، ثلث دیه دارد.»

«ماده ۴۴۱ - از بین بردن بکارت دختر با انکست که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن، مهرالمثل نیز دارد.»

در «مواد ۲۷۰، ۲۷۹» قانون مجازات

اسلامی نیز که موضوع قطع آلت جنسی مطرح است، چون نسبت دیه بر پایه دیه کامل مرد یا زن تعیین می‌شود، نابرابری در حقوق زیان‌دیده مانند سایر موارد یادشده فوق همچنان باقی است.

«ماده ۴۷۸ - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه‌گاه یا بیشتر قطع شود، دیه کامل دارد و کمتر از ختنه‌گاه به نسبت مساحت ختنه‌گاه احتساب می‌گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد.»

«ماده ۴۷۹ - هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود، دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود، نصف دیه دارد.»

در «ماده ۴۸۳» قانون مجازات اسلامی که به دیه نوعی جراحی اختصاص دارد، نابرابری در حقوق مدعی و مجنی علیه مشاهده می‌شود.

«ماده ۴۸۳ - هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که مجنی علیه مرد باشد، دیه آن یک‌صد دینار و در صورتی که زن باشد، دادن ارش لازم است.»

توضیح: تعیین ارش به عهده دادگاه است و مانند «دیه» میزان معینی ندارد.

### تنها مورد برابری در مجازات دیه

#### کتاب چهارم / باب یازدهم

تنها ماده قانونی که مجازات دیه را برای جانی در نظر می‌گیرد و فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست موضوع «ماده ۴۸۴» قانون مجازات است که مقدار دیه جنایتی را که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می‌شود، تعیین می‌کند. به تبع این برابری در مجازات، برابری در حقوق مدعی هم تأمین می‌شود.

### برابری در حقوق مدعی

کتاب چهارم / باب دوازدهم - دیه سقط جنین

در مبحث سقط جنین، «ماده ۴۸۷» دیه سقط جنین را مادامی که روح در جنین پیدا نشده است، در تمام مراحل در مورد پسر و دختر یکسان تعیین می‌کند. (بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵)

### ظهور نابرابری در حقوق مدعی

#### دیه جنین

اما در «بند ۶ ماده ۲۸۷» دیه جنین که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل خواهد



بود.

بنابراین به محض پیدا شدن روح در جنین، نابرابری آغاز می‌شود. زیرا دیه جنین سقط شده، اگر پسر باشد دوبرابر دیه یک زن است. به تبع این نابرابری مجازات جانی تغییر می‌کند.

**نابرابری در ارزش خبرگی زن و مرد**  
در فصل دیه بینایی، قانونگذار در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه چنین دستور می‌دهد:

«ماده ۴۵۹ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینایی از بین رفته و دیگر برنمی‌گردد یا اینکه بگویند امید به برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند، دیه ثابت می‌شود و....»

این ماده قانونی حکایت از آن دارد که قانونگذار حتی برای گواهی و نظریه زن خبره که در زبان رایج به کارشناس تعبیر می‌شود و متکی به دانش و تجربه بوده و واجد صلاحیت علمی و فنی است، بهایی قایل نیست و گواهی او را تا میزان نصف ارزش گواهی یک مرد خبره و همسپراز او ارزیابی می‌کند، آن هم مشروط بر اینکه «عادل» باشد.

در اینجا نه تنها نابرابری در حقوق فردی زن محقق شده است، بلکه توجه به علم تجربه زن «خبره» نیز موکول بر حضور و تأیید یک خبره مرد در کنار دو زن خبره عادل گردیده است که مبتنی بر نابرابری است.

کتاب چهارم را با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رسانیم که اصل و منشأ نابرابری در مجازات، نحوه محاسبه دیه زن و مرد است که قانونگذار صریحاً دیه زن را یک دوم دیه مرد اعلام کرده و به تبع آن سایر دیات هم به زیان زن تعیین شده است و متضمن تزییع حقوق زن در جایگاه مدعی و مجنی علیه می‌باشد. زیرا در همه احوال این حکم جاری است:

چنانچه دیه عضوی از زن که ناقص شده یک‌سوم یا زائد بر یک‌سوم دیه کامل (یعنی دیه یک مرد) باشد، قصاص موکول به پرداخت یک‌دوم آن عضو به مرد جانی است!

### تجزیرات

«تجزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واکذار شده است از قبیل حبس و

جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.» (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی)

### برابری در حقوق و مجازات

در قانون تعزیرات از «ماده ۱ تا ۹۰» که تحت عناوین جرایم ضدامنیت داخلی مملکت، در سوء قصد و توهین به مقامات سیاسی، جرایم برضد آسایش عمومی و سکه قلب، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر و سرقت نوشتجات از اماکن دولتی، فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین، غضب عناوین و مشاغل، تخریب اموال دولتی، تقصیرات وزرا و مأمورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی، تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت، جرایم نسبت به مأمورین دولت و هتک حرمت اشخاص و اجتماع و تباخی برای ارتکاب جرایم طبقه‌بندی شده، برابری حاکم است.

### دیدگاه ارفاق‌آمیز و حمایت خاص از زنان در جرایم تعزیراتی

در «مواد ۹۰ و ۹۱ و ۹۷ و ۹۸» در جرایم علیه اشخاص و اطفال، زنان بدین گونه مورد حمایت‌های خاص قرار گرفته‌اند: «ماده ۹۰ - هرکس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل می‌گردد بنماید به سه الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد.»

«ماده ۹۱ - اگر زن حامله برای سقط جنین به طیب و یا قابله مراجعه کند و طیب هم عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید، دیه جنین به عهده اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد باید قصاص شود و اگر او را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.»

«ماده ۹۷ - هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد و یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل قلم دهد به شش ماه الی سه سال حبس محکوم خواهد شد و اگر مسلم شود که طفل مزبور مرده بوده مجازات مقصر تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.»

«ماده ۹۸ - اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند، امتناع کند به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.»

برابری در مجازات در جرایم برضد

### عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی تعزیرات

«مواد ۱۰۱ و ۱۰۲» که مشخصات جرایم برضد عفت و اخلاق عمومی را متذکر می‌شود برای زن و مرد مجرم، مجازات برابر تعیین کرده است.

«ماده ۱۰۱ - هرگاه مرد و زنی که بین آنها علته زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا، از قبیل تقبیل یا مضامعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.»

«ماده ۱۰۲ - هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل دارای کیفر نسبی باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.»

### یک نابرابری خاص در مجازات‌های تعزیراتی نسبت به زنان

در بحث جرایم برضد عفت و اخلاق عمومی، تبصره ذیل «ماده ۱۰۲» قانون تعزیرات، خاص زنان است و مجازات زنان در صورت تخلف مشخص شده است:

«تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر

تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.»  
برای پوشش مردان دستورالعملی خاص سراغ نداریم اما قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند، مصوب ۶۵/۱۲/۲۸ و سپس آیین‌نامه اجرایی آن مصوبت ۶۸/۳/۲۰، موضوع جرم بودن پوشاک و آرایش نامناسب را به عموم سرایت داده است.

متأسفانه ضوابط برای تشخیص دقیق جرایم منکراتی، با وجود این همه قوانین و آیین‌نامه‌ها، هنوز دقیقاً مشخص نشده است و ابهام در ضوابط، طبعاً امنیت قضایی زنان را که در موقعیت حساستری از لحاظ کرداری و رفتاری قرار دارند، به ویژه هنگام برداشتهای فردی از موارد مبهم، به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد.

### یک نابرابری خاص در مجازاتهای تعزیراتی نسبت به مردان

مردان نیز وفق «ماده ۱۰۵» قانون تعزیرات، با جرم و مجازات خاصی روبه‌رو هستند که در مورد زنان نظیر ندارد. طبق مفاد این ماده قانونی، هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد و یا از تأدیة نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، دادگاه می‌تواند او را به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم نماید.

### حمایتهای خاص از زنان مجرم در جرایم تعزیراتی

«مواد ۱۵۱ و ۱۵۲» از قانون تعزیرات که خاص جرایم ناشی از رانندگی است برای زنان بارداری که به علت تصادف، زودتر از موعد طبیعی وضع حمل یا سقط جنین می‌کنند علاوه بر مجازات راننده خاطی، حق مطالبه دیه را محفوظ داشته است.

### مجازاتهای بازدارنده

«مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.» (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی)

در این موارد انواع مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی و تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط زندانیان و به طور کلی همه احکام قانونی و مقررات مرتبط با آن نسبت به زن و مرد یکسان است و کمترین نابرابری به چشم نمی‌خورد.

### برابری در دادخواهی قانون آیین دادرسی کیفری

تظلم و دادخواهی، از جمله حقوق اولیه همه افراد به شمار می‌رود تا از حوادث نامطلوب که از اختلاف بین افراد یا تجاوزات ناشی می‌شود در امان باشند. دین اسلام کوشش برای حل اختلافات را از واجبات اجتماعی برشمرده است.

«از خدا بترسید و به اصلاح اختلافات میان خود پردازید.» (آیه یک /سوره انفال)  
قانون اساسی جمهوری اسلامی در «اصل ۳۴» مقرر داشته است:

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کسی می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»

بنابراین قانونگذار از دیدگاه برابری به همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، حق داده است تا در صورت لزوم «دادخواهی» کنند و تظلم نمایند، اما دادخواهی تابع قوانین و مقرراتی است که تشریفات دادرسی را مشخص می‌سازد. روشهای دادرسی کیفری، اصول شناخته شده‌ای است که در جهان امروزی به آن عمل می‌شود و در پناه آن انسانها از امنیت قضایی بهره‌مند هستند. در کشور ما دادخواهی در زمینه امور کیفری تابع تشریفات و مقرراتی است که در قانون آیین دادرسی کیفری بدان توجه شده است. آیین دادرسی کیفری یا اصول محاکمات جزایی عبارت است از ترتیبات و قواعدی

که وضع شده برای کشف و تحقیق جرایم و تعیین مسئولیت مجرمین بر حسب مقررات قانونی.

آن‌گونه که گذشت استفاده از این ترکیبات و قواعد برای زنان در مقام شاکی یا متهم محدودیت ایجاد نکرده است. فقط در بررسی قانون آیین دادرسی کیفری نکاتی در ارتباط با موضوع گفتار دریافت شده است که به اختصار از آن نکات سخن می‌گوییم.

یک تذکر لازم: گفته شد که در امر مهم و حساس دادخواهی در مراجع قضایی، دیدگاه قانون آیین دادرسی کیفری و تشریفات و ترتیبات مربوط به دادرسی نسبت به زن و مرد در مقام شاکی و متهم یکسان است و در مواد و تبصره‌های قانون آیین دادرسی کیفری نگاه قانونگذار مبتنی بر نابرابری نیست اما نظر به اینکه قوانین موضوعه در مرحله اجرا در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و بسیار اتفاق می‌افتد که اجرای یک ماده یا تبصره از قوانین کیفری ایجاب می‌کند تا در خصوص موضوع خاصی به قوانین حقوقی هم توجه کامل بشود (مانند تبصره ذیل «ماده ۴۹» قانون مجازات اسلامی که در بحث راجع به آن معلوم شد اجرای تبصره مزبور موکول به اجرای دقیق «تبصره ۱» از «ماده ۱۲۱۰» قانون مدنی است). لذا نابرابریهایی که در سایر قوانین به زیان زنان وجود دارد (از قبیل نابرابریهای ناظر بر قوانین خانواده، طلاق، امور حسبی و...) در موارد خاصی جایگاه زن را در مقام دادخواه در دادرسیهای کیفری متزلزل و حتی بی‌اعتبار می‌سازد.

مثال: وقتی مردی به قتل می‌رسد، چنانچه از او فرزندان صغار به جا مانده باشد؛ مادر صغار به لحاظ محرومیت از حق «ولایت» بر فرزندان نمی‌تواند از طرف صغار به خونخواهی پدر آنها علیه جانی برخیزد و طرح شکایت کند. دادخواهی او در محاکم



کیفری موقعی پذیرفته می‌شود که قیّم بر فرزندان صغیر خود باشد. در حالی که اگر زنی به قتل برسد و از او فرزندان صغیر به جا مانده باشد، پدر با استفاده از حق ولایت قهری که در هر حال بر فرزندان خود دارد می‌تواند از طرف صغار به خونخواهی مادر آنها علیه جانی برخیزد و در صورت محکومیت جانی به پرداخت دیه، پدر صغار می‌تواند سهم الارث صغار از دیه را بابت خون مادرشان دریافت نماید.

در هر حال نابرابری ناشی از ولایت پدر بر فرزندان که در مباحث حقوق خانواده به شدت مطرح است، در دادرسیهای کیفری هم تسری می‌یابد و به نحوی که گذشت در مواردی زن در زمینه دادخواهی و تظلم با نابرابری و مشکل مواجه می‌شود.

بنابراین موارد نابرابری را فقط در صورت ظاهری مواد و تبصره‌های قوانین کیفری نباید جستجو کرد. بلکه توجه همه جانبه به نابرابریها، مستلزم بررسی موارد در حین دادرسی نیز هست که چنانکه گذشت گاهی زن را در مقام شاکی (مدعی) یا متهم، گرفتار حرمان می‌سازد.

**نابرابری در ارزش و اعتبار شاهد**  
«ماده ۷۶» قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

«برای حضور در معاینات و تحقیقات محلی از اهل محل، شهود تحقیق دعوت می‌شود و در موارد فوری مستنطق می‌تواند کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند دعوت نماید. در مورد نسوان، زنان شوهردار برای حضور در معاینات محلی دعوت می‌شوند.»

بنابراین قانونگذار در حالی که تحقیق در اطراف کشف جرم بدان حد از فوریت و اهمیت است که مستنطق کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند برای انجام تحقیقات محلی دعوت می‌کند؛ برای زنان، سواى محل وثوق بودن، شرط خاص دیگر نیز قایل شده که عبارت است از اینکه زن دعوت شده حتماً «شوهردار» باشد!

این شرط اضافی که دقیقاً بار جنسیتی دارد، نابرابری آشکاری است که قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً بدان اشاره کرده است.

**حمایتهای خاص از زنان در مرحله اجرای حکم**  
آیین دادرسی کیفری نه تنها مجموعه‌ای

است از ترتیبات کشف جرم و تشریفات دادخواهی و تظلم، بلکه اجرای احکام جزایی نیز در چارچوب شرایط و ملاحظات مندرج در آن میسر می‌شود.

«ماده ۴۸۴» قانون آیین دادرسی کیفری در «بندهای ۲ و ۳» سفارش کرده است که به لحاظ مراعات زنان حامله و مادران، احکام قابل اجرا فوراً به موقع اجرا گذاشته نشود. بدین نحو:

«ماده ۴۸۴ - در موارد ذیل احکام قابل اجرا فوراً به موقع اجرا گذاشته نمی‌شود:  
۱ - .....

۲ - در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده‌اند تا سه ماه بعد از وضع حمل

۳ - در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر می‌دهند تا زمانی که طفل آنان به سن دو سال برسد ولی این در مواردی است که اجرای مجازات ضروری به طفل برساند.»

در تکمیل «ماده ۴۸۴» آیین نامه راجع به اجرای حکم اعدام، مصوب سال ۱۳۰۷ در «ماده ۳» سفارش کرده است: «هرگاه محکوم به اعدام زن حامله باشد یا زنی باشد که تازه وضع حمل کرده اجرای حکم اعدام تا چهل روز بعد از وضع حمل به تعویق می‌افتد - توضیح اینکه مدت فوق با توجه به ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری به سه ماه تبدیل شده است.»

از طرف دیگر در جهت تکمیل حمایتهای خاص در ترتیب اجرای احکام «ماده ۴۸۸» قانون آیین دادرسی کیفری دستور می‌دهد: «طفل رضیع را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده، جدا نمی‌کنند مگر اینکه مادر بخواهد که طفل را به پدر یا اقربای دیگر او بپارد.»

**نابرابری در تصدی مسئولیتهای قضایی**  
حیف است از دیدگاه قانون آیین دادرسی کیفری سخن به میان آید و غیبت زنان در مقام قاضی و بازپرس و ادیاری... ناگفته بماند. غیبت جنس زن در جریان محاکمات جزایی و در دادرسیهای کیفری باعث شده تا بخشی از دیدگاههای نابرابر قوانین کیفری نسبت به زن که حاوی نابرابریهای جنسیتی است توسط قضات مرد در شکلهای گوناگون از طریق اضافاتی بر گزارشها و آرا و قرارها و کیفرخواستها و اظهارنظرها توجیه هم بشود. این نقصان در جریان عمل و اجرا بسی مضر و بازدارنده

است.

در یک جمع‌بندی، دیدگاه قوانین کیفری ایران نسبت به زن چنین خلاصه می‌شود:

۱ - در زمینه شرایط سنی که مسئولیت کیفری موکول به آن است دیدگاه قوانین نسبت به زن نابرابر است. پسران در پایان پانزده سالگی مشمول قوانین کیفری شناخته می‌شوند و دختران در پایان نه سالگی.

۲ - در زمینه مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی و ترتیبات مربوط به تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن و مرد فاقد جنبه‌های نابرابری است و در مواردی از اجرای احکام جزایی، زن مشمول حمایتهای خاص قرار گرفته است که عمده‌تاً به لحاظ مراعات وضع جنین یا کودک شیرخواره است.

۳ - در زمینه مجازات حدود، صرف‌نظر از برخی از تفاوت‌های جزئی، دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن و مرد یکسان است.

۴ - در زمینه قصاص، اعم از قصاص نفس یا قصاص عضو، که موضوع تعیین دیه دارای نقش اساسی می‌شود؛ نابرابری مشهود است.

۵ - در زمینه دیات نیز نابرابری برپایه ضابطه تعیین دیه، که دیه زن را یک دوم دیه مرد تعیین کرده است، در تمام موارد تحقق می‌یابد.

۶ - در زمینه تعزیرات، موارد نابرابری کمتر به چشم می‌خورد جز در موضوع حجاب که خاص زنان است. اما در این بخش از جرایم، لازم است ضوابط روشنی برای تشخیص جرایم مرتبط با عفت عمومی که در زبان رایج شهری از آن تحت عنوان عام «منکراتی» نام برده می‌شود، با دقت نظر مشخص گردد.

در حال حاضر هنوز جزئیات مطلب روشن نیست و گاهی زنان نمی‌دانند استفاده از کدام نوع آرایش و زیور آلات و غیره جرم است و کدام جرم نیست. امنیت قضایی در پرتو تعیین دقیق مشخصات رفتار مجرمانه میسر می‌شود

۷ - در زمینه ارزش شهادت زنان برای اثبات جرم و ارزش سوگند آنان در مقام مدعی، گویی دیدگاه قوانین کیفری ایران، زن را هرگز در جایگاه شاهد صادق نمی‌پذیرد.

۸ - غیبت زنان قاضی در کلیه مراحل رسیدگی در محاکم جزایی مضر است و تفسیر قوانین را به نفع زنان متهم یا شاکی غیرممکن می‌سازد.



اولین نمایشگاه آثار خوشنویسی زنان کشور به همت انجمن خوشنویسان در «موزه رضا عباسی» از ۲۸ اردیبهشت تا ۱۶ خرداد برپا شد. گفتنی است که قرار بود این نمایشگاه در زمستان ۷۱ برگزار شود که بنا به علل مختلف به اواخر بهار سال جاری موکول شد. البته بیم آن می‌رفت که این نمایشگاه برپا نشود اما تشکیل آن به امید ارائه حرکت‌های گروهی و تلاش بیشتر زنان کشور قابل تقدیر است. ■

در این نمایشگاه تعداد ۶۷ اثر خوشنویسی از ۳۲ هنرمند زن به عنوان بخشی از فعالیتها و تلاشهای هنری زنان کشور در معرض دید عموم قرار گرفت که در مجموع این حرکت در نوع خودش ستودنی است. استفاده از قلم‌های مختلف، از ریز تا درشت (خفی و جلی) در فرم‌های

شکسته و نسخ و ثلث، خط دوم اطلاق می‌شود و این مسئله در اذهان خوشنویسان در مرتبه دوم قرار گرفته است به همین جهت توجه کافی به این امر مبذول نمی‌شود. تا بدان حد که در این نمایشگاه به عنوان نمونه هیچ موردی از خط نسخ و ثلث دیده نمی‌شود. در حالی که این خطوط از نظر قابلیت گرافیکی از اسکان بالایی برخوردارند، اما ناخواسته مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند.

لازم به یادآوری است که در نقاشی خط و رنگ‌نویسی که به مدد فرم‌های جدید و با استفاده از قابلیت‌های گرافیکی خطوط و رنگ انجام می‌گیرد در جهت ایجاد فضاها و فرم‌های نو چیزی مشهود نیست و تابلوها با همان فرم‌های همیشگی قلم‌های درشت در کنار کتابت یا چلیپا در کنار هم ارائه شده است که این امر مهمترین نقیصه این رویکرد هنری است و زمینه این پرسش را فراهم

قلم‌ها، از ریز و درشت، از خطوط مختلف بهره گرفته است. اند گرایش بیشتر به سمت خط نستعلیق بود که شاید به جهت حضور نوعی ملامت و دوری از خشکی رازگونه‌ای است که در این خط وجود دارد و با طبع زنان هماهنگی بیشتری دارد.

به عبارتی دیگر، توجه زنان چه در گذشته و چه در حال به قلم‌های کتابت و مشقی، درخور توجه است که با تواناییهای فیزیکی ایشان هماهنگ است. اما در میان آثار شرکت داده شده، با آثاری روبه‌رو می‌شویم که تمایل به قلم‌های درشت، تأثیر اساتید این فن را با خود دارند نظیر «اله خاتمی» و «صغری حسینی» که فرم‌هایی همانند مهرهای دوره قاجاری نیز در آنها دیده می‌شود. گفتنی است که استفاده از قلم‌های مختلف در اجرای بخشی از یک اثر از دیدگاه کارشناسی در مقایسه با خوشنویسی و اجرای یک اثر با یک قلم

پروین حیدری‌نسب

# نگاهی به اولین نمایشگاه زنان خوشنویسی

موزه رضا عباسی . ۲۸ اردیبهشت الی ۱۶ خرداد

می‌کند که آیا به راستی زنان خوشنویس ما در این زمینه برای «سیاه مشق» قابلیت ندارند؟ آیا نباید به ارتباط رنگ با موضوع فکر کنند؟ و این در حالی است که بین زنان شرکت‌کننده در این نمایشگاه تعدادی دانشجوی رشته‌های هنری نظیر گرافیک نیز شرکت داشته‌اند.

در بسیاری از آثار تمایل به «تذهیب» بودن اثر هست و می‌دانیم که از موارد اساسی در کار خوشنویسی این مرز و بوم همانا هماهنگ بودن آرایش کار، ارتباط خوشنویسی، تذهیب، نوع کاغذ و... است. در حال حاضر، شاید به دلایل مادی، اکثریت تذهیب کاران صرفاً از فرم‌های تکراری ختایی با رنگ‌های تند و بدون

واحد در آثار قدما، بسیار حائز اهمیت است و چه بهتر بود زنان خوشنویس، این نکته را رعایت می‌کردند زیرا توجه به این امر نشانگر تواناییهای خوشنویسی است.

از طرفی دیگر، در آثار شکسته نستعلیق که در بعضی آثار ارائه شده مانند مورد اول گرایش زیادی به قلم‌های درشت و بهره‌گیری از شیوه‌ی یکی از اساتید معاصر در آن به چشم می‌خورد. در حالی که در خط شکسته، قابلیت ایجاد فضاها و فرم‌های تازه این امکان را به خوشنویس می‌دهد که شجاعانه‌تر دست به آفرینش بزند، که در این مورد به قابلیت‌های کمتری برمی‌خوریم. شاید چون همان‌گونه که در انجمن خوشنویسان مرسوم است، به قلم‌های

مختلف رایج خوشنویسی معاصر و ارائه آثار به نحو نسبتاً مطلوبی به نمایش درآمده بود. لازم به یادآوری است که اطلاق کلمه «اولین» بر این نمایشگاه لازمه چشم‌پوشی از بعضی نقایص و کاستیهاست اما به هر حال نمی‌توان خشت اول را کج نهاد، بلکه باید در فرصتهای آتی از تکرار کمبودهای نمایشگاه حاضر کاست.

در برپایی این نمایشگاه، دو مقوله قابل گفتگو است:

- آثار ارائه شده

- تبعات جنبی نمایشگاه

آثار ارائه شده:

در آثار ارائه شده به نمایشگاه، تمامی





ظرافتهای مرسوم در کار تذهیب، استفاده می‌کنند. در حالی که، هماهنگ بودن کار مهمتر از افزایش کار است. همچنین مواردی نظیر طلااندازی، دندان موشی، قطعه‌بندی سنتی، استفاده از کاغذهای ابر و بادی ظریف و ملایم و کار بر حاشیه متن در آثار ارائه شده دیده نمی‌شود. در حالی که در ارتباط با کار تذهیب، از زنان هنرمند این رشته توقع بیشتری می‌رود.

البته در میان آثار به نمایش درآمده، تابلوهای خوبی نظیر کار «دولو قاجار» که در آن هماهنگی خوشنویسی با تذهیب و تشعیر کاملاً رعایت شده، به چشم می‌خورد. ذکر این نکته نیز لازم است که فقدان مشق نظری و عملی و همچنین بی‌توجهی به خطوط قدما در چهره بسیاری از آثار ارائه شده به نمایشگاه دیده می‌شود. آیا جای آن نبود که در میان کارهای ارائه شده یکی دو نمونه از آثار زنان خوشنویس مربوط به قرون گذشته به نمایش گذاشته شود؟ در حالی که آثار چند تن از زنان خوشنویس گذشته ایران در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود.

در یک جمع‌بندی کلی، باید گفت برپایی این نمایشگاه به عنوان اولین حرکت جمعی گروهی از زنان خوشنویس ایران، خود قابل تقدیر است اما برای توجه بیشتر و بهتر به امر خوشنویسی در میان زنان و همچنین برای پربراری نمایشگاه‌هایی که در آینده تشکیل می‌شود، پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- برای تنوع بیشتر در امر خوشنویسی بهتر است زنان هنرمند این رشته در تمامی قلم‌های ریز و درشت دست به تجربه و آفرینش بزنند.
- ۲- در پیروی از تجارب و استفاده از خطوط قدما بهتر است امر آفرینش با نگرش نوین همراه باشد.

اما در حاشیه برپایی نمایشگاه نکاتی دیگر از جمله عدم حضور تعدادی از پیشکسوتان این رشته درخور تأمل است: نظیر «مینا بهدادفر» و بسیاری از زنان خوشنویس شهرستانی، در حالی که حضور بسیاری از نوآمدگان این فن در نمایشگاه به روشنی حس می‌شود. همچنین در خصوص بروشور نمایشگاه باید گفت که در آن نام هیچیک از شرکت کنندگان نیامده بود گویا نوعی شتاب‌زدگی در تهیه و ارائه آن دیده می‌شد، در حالی که با توجه به امکانات انجمن آیا بهتر نبود در تهیه بروشور این نمایشگاه از امکانات بالفعل انجمن استفاده شود؟!

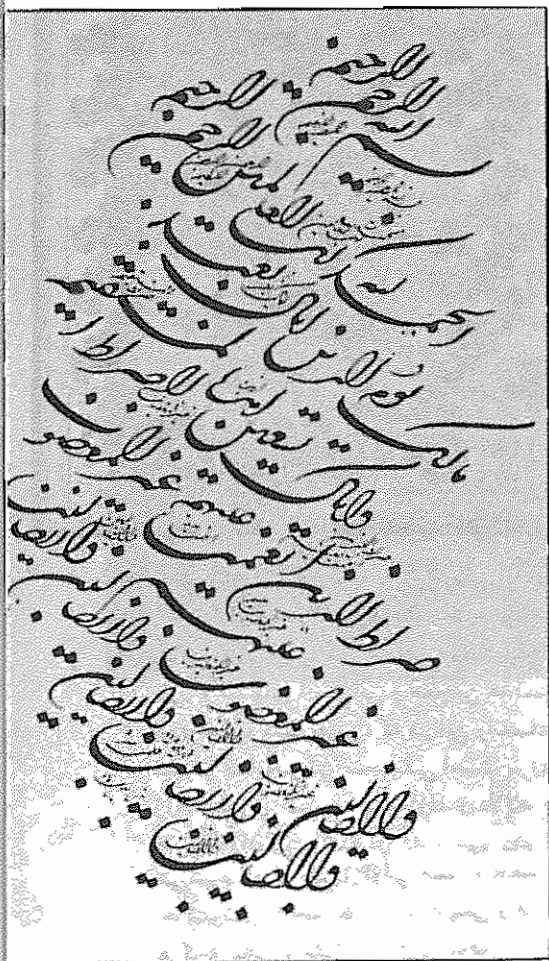
اما نکته دیگر حضور سخنرانی همیشگی انجمن آقای «دکتر الهی قمش‌ای» است که در شرایط بد سالن به تشریح «کم بودن یک دنده زنان» و باقی قضایا پرداختند. حق این بود که برای افتتاح چنین نمایشگاهی از وجود زنان هنرمند و با دانش این فن که خوشبختانه تعدادشان کم نیست استفاده می‌شد و به قول معروف فضای حرفه‌ای حفظ می‌شد.

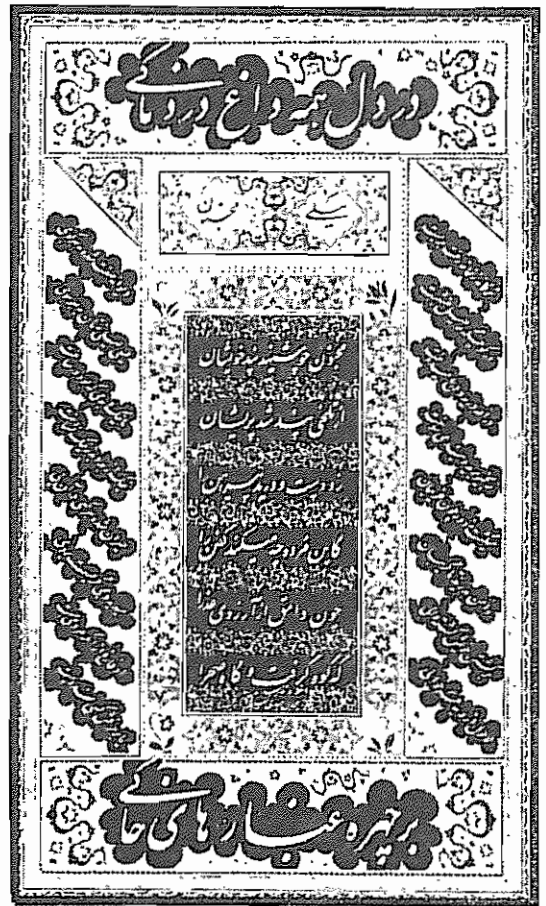
### تبعات جنبی نمایشگاه:

شکی نیست که گسترش روزافزون فعالیتهای زنان کشور در عرصه‌های مختلف به منظور بازیابی جایگاه واقعی خویش در مشارکتهای اجتماعی، همانا نشانه‌هایی از رشد فکری این نیمه پیکر اجتماع است. زنان با تمامی مشکلات موجود هیچ وقت از پا نایستاده‌اند و پا به پای مردان به ارائه قابلیت‌ها و تواناییهای خود همت می‌گمارند. پس از انقلاب به علت فضای ایجاد شده و یا اهمیت دادن به بعضی درون‌نگریها، گرایش به هنرهای سنتی از جمله هنر خوشنویسی، تذهیب، مینیاتور و... نسبتاً به شاخه‌های هنری رشد روزافزونی داشته است. خصوصاً هر چندگاهی ما شاهد انعکاس فعالیتهای اجتماعی - هنری زنان کشور در رسانه‌های گروهی هستیم.

در بروشور نمایشگاه نام تعدادی از زنان خوشنویس مربوط به قرون گذشته آمده که هر کدام دارای مقام شاخصی در عرصه خوشنویسی بوده‌اند، اما از سوی دیگر آن واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که زنان به دلیل فشارهای اجتماعی چه در گذشته و چه در حال حاضر، نتوانسته‌اند قابلیت‌های نهفته خود را نشان بدهند. در کنار این مسئله، سؤالی وجود دارد:

اینکه اعتلای هنر خوشنویسی معاصر در چیست؟ آیا در رشد ناگهانی این هنر بعد از انقلاب نوعی افتادن به ورطه فرمالیسم و کپی‌برداری شاگردان از روی دست اساتید این فن مطرح نیست؟ و سرانجام با طرح این قبیل سؤالات وظایف اصلی هنر خوشنویسی معاصر زیر سؤال نخواهد رفت؟ باری، بحث اساسی این نیست که هنر خوشنویسی را به یکباره رها کنیم و تنها به گرایشهای هنر معاصر دلخوش باشیم، بلکه بحث اساسی بر سر ایجاد فضاهای جدید و بهره‌گیری از فرمهای نوین با تکیه بر سنتهای رایج و استفاده از آنها است. اصولاً نگاهی به کارنامه انجمن خوشنویسان در خصوص





# دوازدهمین شماره فصلنامه

نچوا:  
به جای سکوت

اندیشه:  
الگوی اندیشه دینی در حاکمیت سودان: گفت‌وگو با دکتر حسن ترابی  
دینداری و خردورزی: عبدالکریم سروش  
همگرایی مسیحیت و علوم جدید در قرن بیستم: استفان.ن. بوسهارد  
نقش ابن خلدون در تحول اندیشه اسلامی: محسن مدیر شانه‌چی  
مطهری و نظریه فطرت: احمد نراقی

از چیزهای دیگر:  
جریانات و مباحث فکری معاصر عرب: فروغ جهانبخش  
تازه‌های کتاب  
گزارشی از ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران  
لیخند شکوفه و میاهوی بهار  
علم و تکنولوژی در جهان اسلام  
خبرهای فرهنگی و هنری ایران و جهان

ادبیات:  
رمزهای ادبی ترک و هندو: آن ماری شیمیل، ترجمه مریم خوزان  
شرق اندوه: م. مقدادی  
شعر  
همراه (داستان): مرتضی مردیبا

هنر:  
«آنتیگون» وارث رنج «اودیپ»: رضا ثمری

چاپ آثاری از این‌گونه ما را تنها با چاپ آثار تکراری معاصرین رویه‌رو می‌سازد، به عبارت دیگر چاپ آثار شبیه به هم، با کیفیت نازل و قیمت‌های آن چنانی و همچنین هدفمند بودن چاپ کتب نفیس، که در این وانفسای نشر و کتابخوانی محملی است برای زران‌دوزی کتاب بازان و دلالان و سردمداران این رشته از کار، خود باعث می‌شود که به طریق اولی هنر ارجمند خوشنویسی تا حد یک عنصر تزینی و فاقد هرگونه پیامی و نشانی از قرن حاضر پایین بیاید.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که کلک جادویی خوشنویسان قدیم در حیطه خوشنویسی آثار جاویدان از خود بجای گذاشته و از میان آنان خوشنویسانی چون «میرعماد» و «رشید» در کتابت و مشقی و «میرزا غلام‌رضای اصفهانی» در حیطه سیاه مشق و کتیبه‌نویسی به راستی آثار ارزنده‌ای دارند که درخور تحقیق و بررسی فراوان است.

## «کیان» گامی نو در راه

## پاسداری از کیان فرهنگی

